

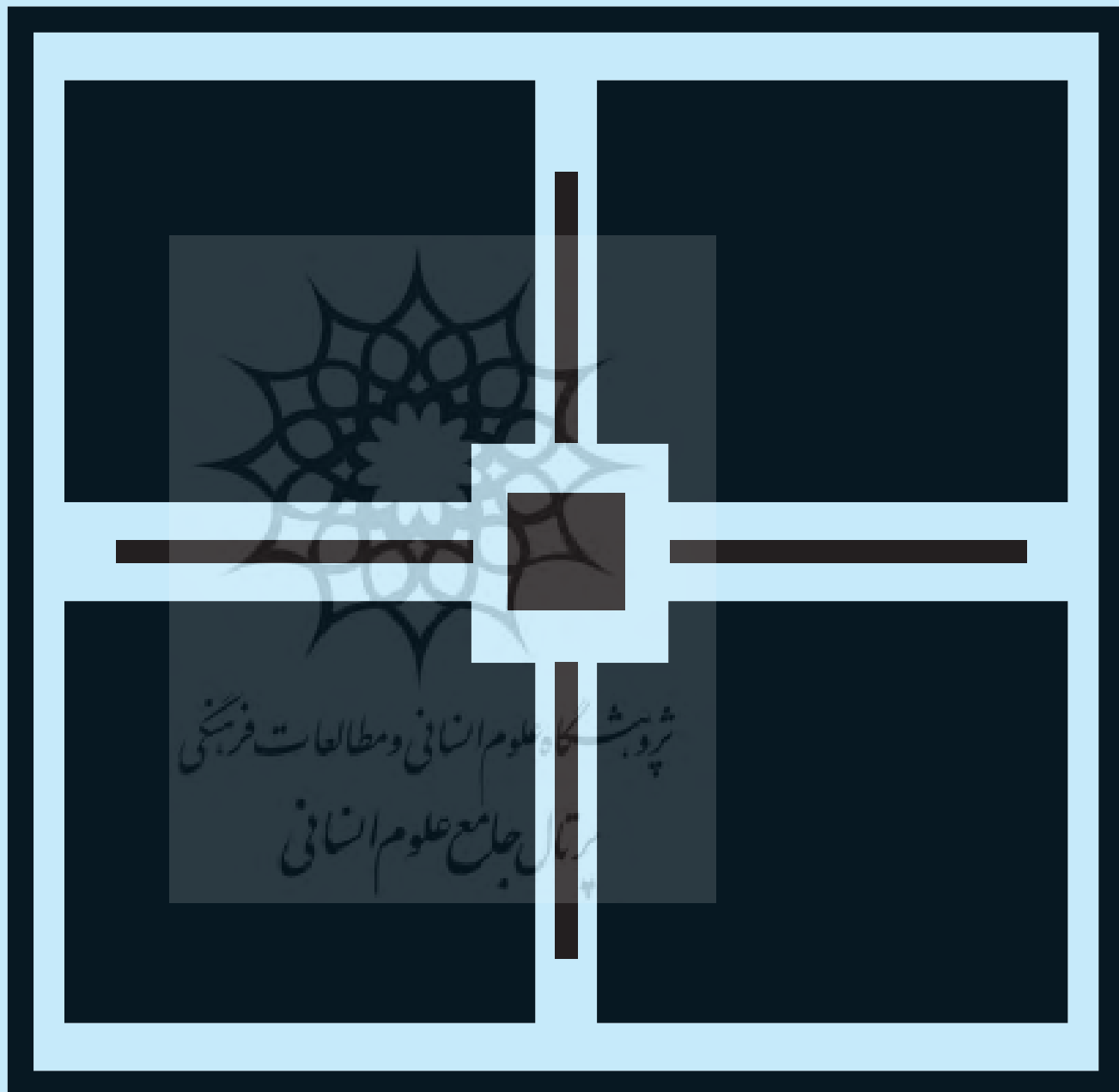
ریشه‌های باغ

نقش شیوه آبیاری در هنر باغسازی



عباس مسعودی، دکتری معماری،
عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد
اسلامی کرمان.

Abbas Masoudi / Ph.D in
Architecture/ councilor of
Azad University-Kerman.
mazra@mazra.ir



تصویر ۱: الگوی چهار قسمتی
باغ ایرانی با حوضی در مرکز که
اکثرآ به آن ارجاع داده می‌شود.
مأخذ: Petrucciolo, 1980.

The roots of the Persian garden

The role of the irrigation system in the art of gardening

ایرانی

Abstract: Archetype usually implies to a pattern that is considered as the first model. For recognition of Persian garden archetype, and avoiding common misunderstanding, it seems that a new hypothesis can be brought up. In this regard meanwhile a critical review of something that is assumed as the Persian garden archetype, this model will be challenged basically. In this research, theoretical tools related to the linguistic and mythology will have an important roles.

The structure of this research, based upon two parts. In the first part, the assumed archetype of Persian garden will be challenged, and it will discuss the older archetype of this garden. The second part that has not been considered in related researches and is more important, focuses on the likely older models and finally introduces a discovered agricultural system, as the probable archetype of Persian garden. It will be very interesting that this system works today, without any changes for thousand years. We can consider this pattern in a lot of places in the region that is usually assumed as the provenance of Persian garden.

In this relation it is usually assumed that the lifetime of myths is limited, and they get expired when they miss their function. The most important achievement of this paper is to propose the hypotheses that the origin of Persian garden and its functional pattern is alive and works as an eternal pattern.

Keywords: Archetype, Persian garden, transparent & opaque, irrigation, kinds of roots.

چکیده: کهن‌الگو معمولاً به الگوهایی اطلاق می‌شود که به عنوان نمونه آغازین مورد اقتباس قرار می‌گیرد. برای بازشناسی الگوی آغازین باغ ایرانی و اجتناب از بدفهمی‌های متداول، می‌توان به طرح یک فرضیه جدید مبادرت ورزید. در این خصوص ضمن بررسی آنچه به عنوان الگوی اولیه باغ ایرانی قلمداد می‌شود، می‌توان به تجزیه و تحلیل بنیادی این الگو پرداخت و آنچه را در این رابطه بدیهی فرض می‌شود به چالش کشید. در این بررسی‌ها، ابزارهای نظری مرتبط با زبان‌شناسی و اسطوره‌شناسی بیشترین نقطه اتکاء را تشکیل داده است.

ساختار این تحقیق را توجه به دو موضوع تشکیل خواهد داد: اول اینکه الگوی بدیهی فرض شده باغ ایرانی الزاماً ابتدایی‌ترین شکل آن نبوده و به نظر می‌رسد این طرح بندی، وجهی انتزاعی از نمونه‌هایی قدیمی‌تر باشد. موضوع دوم که محور اصلی مقاله را تشکیل داده و به نظر می‌رسد کمتر به آن توجه شده، همانا جستجوی نمونه‌های متقدم است، که در نهایت به معرفی یک سیستم مرتبط با آبیاری منتهی خواهد شد. این سیستم را می‌توان به عنوان نطفه اولیه باغ ایرانی قلمداد نمود که هنوز به کارکرد خود ادامه می‌دهد. در معیاری فراتر از باغ ایرانی و دلمشغولی‌های مرتبط با آن به نظر می‌رسد که نتیجه این تحقیق در رابطه با مقولات مرتبط با کهن‌الگوها و اسطوره‌ها از اهمیت بیشتری برخوردار است.

در این خصوص چنین فرض می‌شود که اسطوره‌ها، عمر محدودی داشته و با از دست دادن کارکردهای خود "از زندگی مردم خارج شده و تنها در زندگی روشن‌فکرانه، ادبیات... وارد شده و ادامه حیات بدهند" (بهار، ۱۳۸۴).

واژگان کلیدی: کهن‌الگو، باغ ایرانی، تیره و شفاف، آبیاری، انواع ریشه‌ها.



تصویر ۷: عبور مسیر جوی آب از درون کرت بندگی و درختان حاشیه آن روستای بیدوئیه - کرمان. عکس: نگارنده.

کشاورزی مبتنی بر آبیاری و کاشت درختان در حاشیه جوی آب است که محلی مناسب برای کاشت درختان سایه‌دار به حساب می‌آید. در نهایت باید به قدیمی‌ترین وجه مرتبط با باغ ایرانی اشاره کرد یعنی واژه پردیس که ریشه آن در واژه «پائیرا دائیازا» به معنای دیوار پیرامون آن است که خود بر محور بودن آن دلالت دارد (لوح‌فشرده دهخدا: جستجو تحت عنوان واژه پردیس). محور بودن و نظم درختان را می‌توان از عناصری دانست که در قدیمی‌ترین گزارشات و مستندات مرتبط با باغ ایرانی قابل پیگیری بوده و بر الگوی چهارباغ با حوض مرکزی تقدم داشته است. به این ترتیب دو وجه نظم و ترتیب درختان و محور بودن باغ را می‌توان عناصر مقدم بر الگوی موسوم به چهار باغ دانست.

الگوی کارکردی به عنوان نطفه اولیه باغ ایرانی

در دومین مرحله از این بحث به الگویی می‌پردازیم که هنوز هم به شکلی گسترده در اقلیم اصلی زادگاه باغ ایرانی وجود داشته و دارای کارکرد است. این الگو تلفیقی از دبی کم آب از یکسو و از سوی دیگر نظام مبتنی بر آبیاری است. دبی کم نمی‌تواند آب مورد نیاز باغچه‌هایی را که درختان و گیاهان داخل آن باید به صورت غرقابی آبیاری شوند، تأمین نماید. به همین دلیل آب در منبعی ذخیره شده و بعد از پر شدن، این منبع تخلیه شده و با دبی مناسب به مصرف آبیاری باغچه‌ها و کرت‌ها می‌رسد.

در شکل ۱ جوی‌های آب جدا از بخش داخل باغچه‌ها شامل دو جوی است؛ جوی اول بین چشمه یا مظهر و منبع آب و جوی دوم بین منبع آب و باغچه‌ها بوده است. معمولاً جوی اول صرفاً رابط بین مظهر و منبع آب بوده و سعی می‌شده کمترین طول را داشته باشد؛ به گونه‌ای که در مقایسه با جوی دوم طول چندانی ندارد. طول جوی دوم تابع دبی آب و فاصله کرت‌ها و باغچه‌ها از منبع بوده (به تبع آن مساحت آنها) است. گیاهان می‌توانند در سه‌گروه، مطابق شکل ۲ طبقه‌بندی شوند: اول، درختان سایه‌دار که به دلیل ریشه‌های خاص خود، در مجاورت جریان دائم آب حتی با دبی کم، امکان مناسب‌تر برای رشد را داشته و به همین دلیل در حاشیه منبع آب و جویی که این منبع را به باغچه‌ها وصل می‌کند، مشاهده می‌شوند. باید توجه داشت که در نمونه‌های بزرگ‌تر این الگو درختان سایه‌دار به حاشیه باغچه‌ها نیز تسری پیدا می‌کنند. در طول مسیر وجود این قبیل درختان با توجه به فاصله مظهر آب تا منبع که معمولاً زیاد نیست، چندان چشمگیر نیست. در مرحله دوم می‌توان به عناصری مانند گل و سبزه اشاره کرد که به دلیل شرایط مناسب‌تر در حاشیه منبع آب و بعضاً مسیر جوی آب خصوصاً مظهر تا منبع امکان رشد دارند. سوم نیز بخش‌هایی که در باغچه‌ها با سیستم غرقابی آبیاری می‌شود؛ مانند درختان میوه با ریشه گسترده و یا گیاهان داخل کرت‌بندی.

به عبارت دیگر، پنج بخش اصلی را می‌توان برای سیستم آبیاری در باغ ایرانی در نظر گرفت (تصویر ۳):

- مظهر یا چشمه آب که با توجه به شرایط اقلیمی ممکن است آب بسیار کمی داشته باشد (تصویر ۳).
- جوی آب، حداقل مظهر تا منبع آب که معمولاً برای به حداقل رساندن میزان کاهش آب به دلیل تبخیر یا نشت به کار می‌رود.
- منبع که در کمترین فاصله با سرچشمه در نظر گرفته شده و حجم آن تابع دبی آب چشمه است (تصویر ۴).
- جوی آب، حداقل منبع تا کرت‌ها (تصاویر ۵ و ۶).
- مسیرهای آبیاری که براساس نوع خاک و گیاهان کاشته شده، پوشش گیاهی در دوره زمانی مشخصی را غرقاب می‌کند (تصویر ۷).

تطور الگوی کارکردی در گذر زمان

سیستم فوق‌علی‌رغم گذشت هزاران سال از شکل‌گیری، هنوز نیز به کارکرد خود ادامه داده و به نظر می‌رسد در دوره‌های مختلف تاریخی با عناصر برآمده از فرهنگ درهم آمیخته و نمونه‌های مختلفی از باغ ایرانی که عمدتاً در یک الگوی کلی قرار گرفته‌اند، را شکل داده است. چنانکه در بخش اول اشاره شد، پاسارگاد فاقد حوض مرکزی مطابق الگوی مرجع بوده است. به همین دلیل در دوره‌های بعد منبع آب به شکلی تیره و به صورت حوض، استحاله یافته و به درون باغ منتقل می‌شود. مظهر نیز

مقدمه

در ابتدا لازم است نظریه «چهارباغ کوروش» به عنوان الگوی اولیه باغ ایرانی (Moynihan, 1980:15)، به شکلی بنیادی مورد ارزیابی مجدد قرار گیرد. طرح‌بندی چهار قسمتی، یکی از بنیادی‌ترین وجوه تفکر بشری است که مقدم بر مفهوم باغ ایرانی و در مراحل از شکل‌گیری و تکامل باغ ایرانی منبع الهام بوده است. فی‌الواقع باغ ایرانی می‌تواند به عنوان یکی از نمونه‌هایی قلمداد شود که این الگو به کامل‌ترین وجهی در آن متبلور شده است (شایگان، ۱۳۷۷: ۷۷). لذا با توجه به تقدم الگوی چهار قسمتی، می‌توان بدیهی بودن الگوی چهار باغ را - به شکلی که در تصویر ۱ آمده است - به عنوان یک کهن‌الگو زیر سؤال برد. سؤال اصلی مقاله نیز در این است که قبل از پیدایش الگوی «چهارباغ»، اشکال ابتدایی‌تر باغ ایرانی به چه شکل بوده و آیا آنچه هم‌اکنون در بسیاری از نقاط اقلیم زادگاه باغ ایرانی مشاهده می‌شود، ارتباطی با آن اشکال ابتدایی داشته است؟ باید توجه داشت، اگرچه برخی علوم با استناد به حدس و گمان یا سنگواره‌ها و نمونه‌های ابتدایی ناقص و به‌جامانده مورد بازشناسی قرار می‌گیرند، اما در خصوص باغ ایرانی، «باغ پاسارگاد» به عنوان نمونه‌ای ارزشمند و آغازین به شکلی منطبق بر نمونه هزاران سال قبل موجود است.

فرضیه

نطفه اولیه باغ ایرانی بعد از چندین هزار سال و بدون هیچ‌گونه تغییری در اقلیم اصلی زادگاه خود به شکل اولیه به حیات خود ادامه می‌دهد.

الگوی چهار قسمتی

همان‌گونه که عنوان شد آنچه به عنوان کهن‌الگوی باغ ایرانی قلمداد شده، نمی‌تواند به شکلی مشخص و بر اساس مدارک مستند در دوره هخامنشیان بازشناسی شود. اگرچه محوری‌ترین عنصر الگوی مذکور، حوض مرکزی آن است، ولی در پاسارگاد به عنوان قدیمی‌ترین نمونه مورد استناد نمی‌توان حوض مرکزی مطابق با این الگو را مشاهده نمود، هرچند «استروناخ» در تجدید نظر خود از ارزیابی باغچه مرکزی به احتمال چهار قسمتی بودن آن اشاره می‌کند (استروناخ، ۱۳۷۱: ۶۰)، ولی این به معنای وجود حوضی مرکزی و خیابان‌های مرتبط با آن نیست. فرضیات استروناخ مبنی بر وجود یک حوض در خارج باغ به عنوان منبع آب را می‌توان به عنوان دلیلی بر این مدعا عنوان کرد (تصویر ۲). تنها موردی که می‌توان به آن استناد کرد حوض‌های کوچک فرعی است که به نظر وی احتمالاً کارکرد ته‌نشین کردن رسوبات را برعهده داشته است (Moynihan, 1980:16). با توجه به منابع موجود به نظر می‌رسد که حوض منطبق بر الگوی مرجع و به عنوان عنصر مرکزی باغ تنها می‌تواند در دوره ساسانیان با قطعیت بیشتری مورد استناد قرار گیرد، در دوره‌های قبلی و حداقل در منابع قابل دسترس، نمونه‌های قابل استنادی در این خصوص وجود ندارد (مسعودی، ۱۳۸۸: ۵۴).

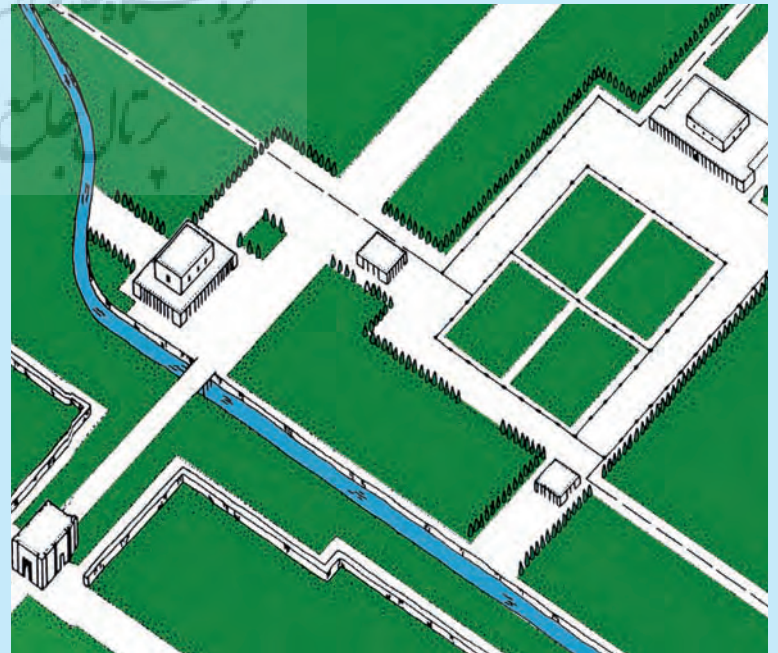
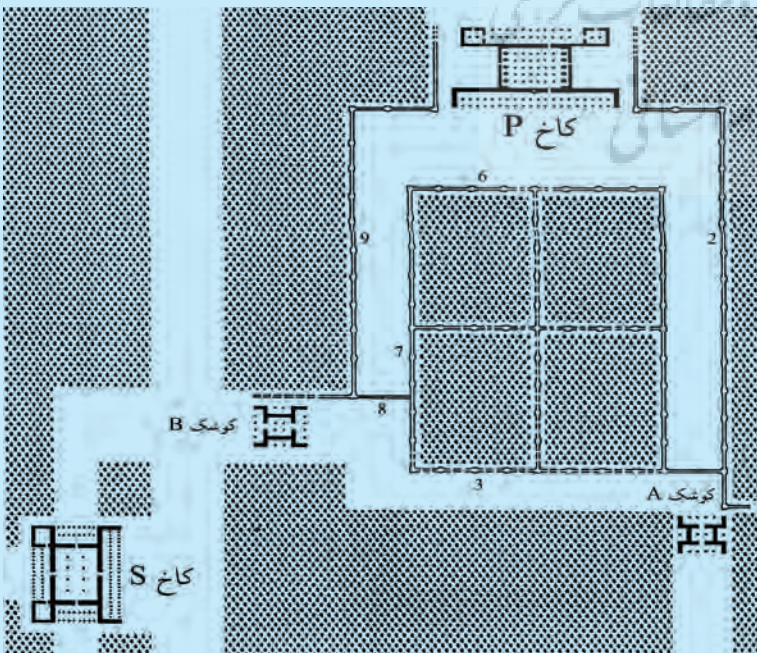
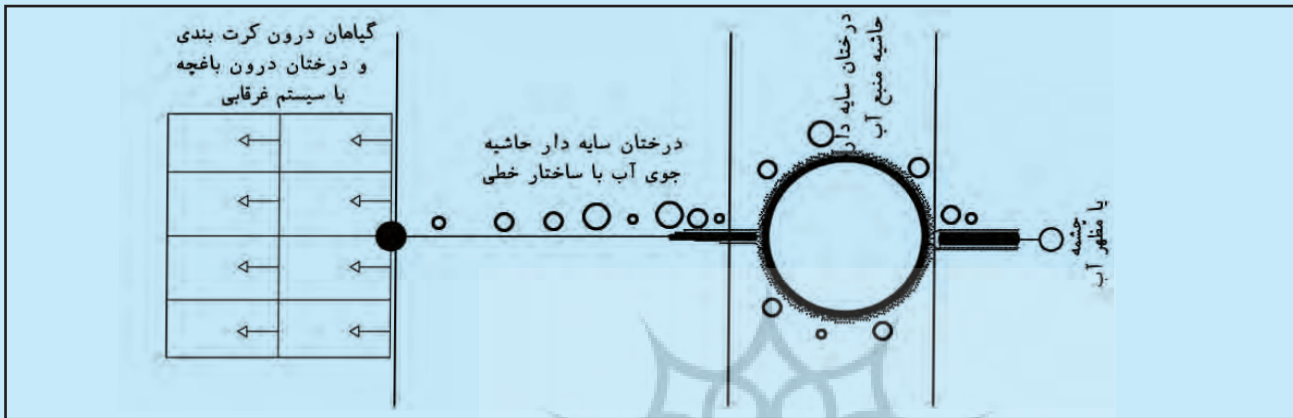
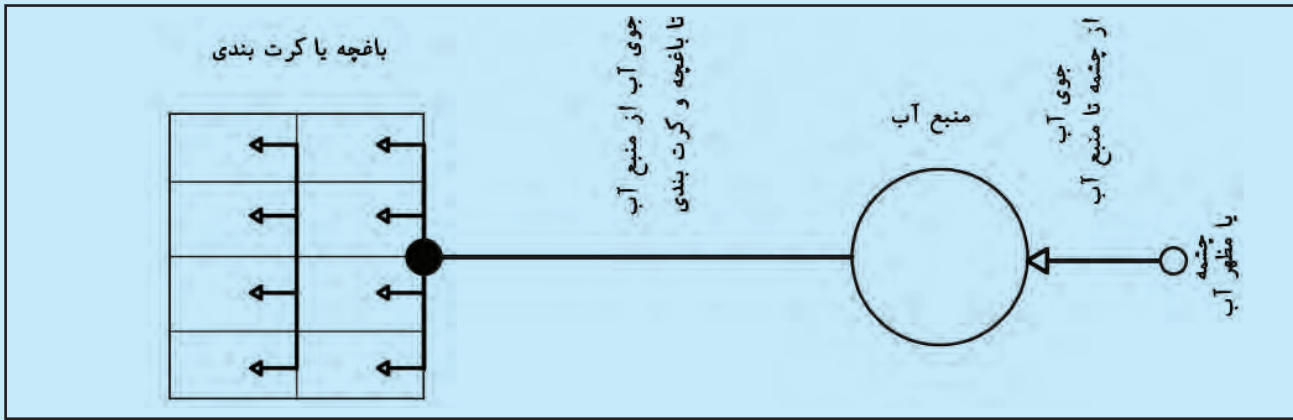
بر اساس مستندات، وجه دیگر قابل بازشناسی در دوره هخامنشیان، نظم و ترتیب درختان است که توسط مورخین یونانی نیز مورد اشاره قرار گرفته (Moynihan, 1980: 21) و این مسئله در حقیقت مابه‌ازای شفافی از نظام مبتنی بر آبیاری است. به عنوان مثال می‌توان به درختان سرو اشاره کرد که طرح نقش برجسته آنان در تزئینات سنگی تخت جمشید بیش از هر چیز بیانگر نظم و ترتیب دقیقی است که این درختان را به لحاظ شکلی از دیگر درختان متمایز می‌کند. نکته مهم این است که این نظم و ترتیب تبلور نظام

تصویر ۲: پلان و پرسپکتیو پاسارگاد، حیاط اصلی، کوشک‌ها و قصر. مأخذ: مسعودی، ۱۳۸۸.

شکل ۱: سیستم کشاورزی در اکثر نقاط مرتبط با اقلیم زادگاه باغ ایرانی، و حوزه‌های پنج‌گانه آن. مأخذ: نگارنده.

شکل ۲: گونه‌های گیاهان در الگوی کارکردی و تیپ‌های سه‌گانه آن. مأخذ: نگارنده.

شکل ۳: آب در الگوی کارکردی و تیپ‌های پنج‌گانه آن. مأخذ: نگارنده.





نتیجه‌گیری

یکی از موارد معدودی که کهن‌الگو به شکلی دقیقاً منطبق با شکل اولیه و در طول هزاران سال حفظ شده، منشأ آغازین و الگوی کارکردی باغ ایرانی است. این الگو قبل از آنکه به عنوان الگوی باغ ایرانی شناخته شود، وجود داشته و هنوز نیز به حیات خود ادامه می‌دهد. همان‌گونه که پیشتر عنوان شد، این نطفه آغازین، در مقایسه با مفاهیم اسطوره‌ای دگرگونی زیادی یافته است. این دگرگونی‌ها در دو وجه تیره و شفاف قابل‌بازشناسی است. وجه شفاف آن هندسه ساختاری مرتبط با کشاورزی مبتنی بر آبیاری بوده و وجه تیره و تا حدودی با کارکرد اسطوره‌ای - نیز در فواره، تقسیم‌بندی چهارقسمتی، درختان سایه‌دار و... در طول زمان به آن منضم شده است. حاشیه منبع آب با توجه به رطوبت نسبی بالاتر و سایه درختان مجاور آن مطلوب‌ترین بخش را تشکیل داده و جایی است که معمولاً در حاشیه آن اطراق می‌شود. همان‌گونه که عنوان شد این عنصر در طول زمان به داخل باغ ایرانی منتقل شده و به عنوان قلب آن محوری‌ترین نقش را پیدا کرده است ■

منابع

- بهار، مهرداد (۱۳۸۴) از اسطوره تا تاریخ، نشر چشمه، چاپ چهارم، تهران.
- دهخدا، علی‌اکبر، لوح‌فشرده لغت‌نامه، انتشارات دانشگاه تهران.
- شایگان، داریوش (۱۳۷۷) بتهای ذهنی و خاطره‌الزی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، تهران.
- ضمیران، محمد (۱۳۷۹) گذار از جهان اسطوره به فلسفه، انتشارات هرمس، چاپ اول.
- فروم، اریک (۱۳۶۲) زبان از یاد رفته، ترجمه: ابراهیم امانت، انتشارات مروارید، چاپ سوم.
- مسعودی، عباس (۱۳۸۸) بازشناسی باغ ایرانی، نشرفضا، چاپ اول، تهران.
- ویلبر، دونالد (۱۳۴۸) باغ‌های ایرانی و کوشک‌های آن، ترجمه: مهین‌دخت صبا، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
- یونگ، کارل‌گوستاو (۱۳۷۷) انسان و سمبل‌هایش، ترجمه: محمود سلطانی، انتشارات جامی، چاپ اول.

- Moynihan, Elizabeth (1980) Paradise as a garden in Persia and Mughal India, Scholar Press, London.
- Petrucciolo (1980) Islam et territoire, Centra de Recherches en Architecture & Urbanisme, Algeria.
- Stronach, David (1978) Pasargadae, A report on the excavation conducted by the British Institute of Persian studies from 1961-1963.

- استروناخ، دیوید (۱۳۷۱) شکل‌گیری باغ سلطنتی پاسارگاد و تأثیر آن بر باغ‌سازی ایران، فصلنامه علمی فنی هنری اثر، ترجمه: کامیار عیدی، سازمان میراث فرهنگی کشور، شماره ۲۲ و ۲۳، چاپ تهران.
- الیاده، میرچا (۱۳۷۵) مقدس و نامقدس، ترجمه: نصرالله زنگویی، انتشارات سروش، چاپ اول، تهران.
- باطنی، محمد رضا (۱۳۶۷) درباره زبان، مجموعه مقالات، انتشارات آگاه، چاپ اول، تهران.



تصویر ۵



تصویر ۶

به شکل تیره در فواره‌ها بازنمایی شده و وجهی اسطوره‌ای به خود می‌گیرد. در نهایت با همین رویکرد است که در الگوی مرجع از چهار سمت حوض، چهار جوی آب به چهار طرف باغ حرکت می‌کند؛ جوی‌هایی که آب را از منبع تا باغچه‌ها هدایت کرده و در حاشیه آنها درختان سایه‌دار (سرو و چنار) کاشته می‌شوند. زیر درختان سایه‌دار و در شرایط مطلوب، مرتبط با رطوبت نسبی بالاتر، محلی برای کاشت گل و گیاه بوده و به نظر می‌رسد این عنصر نیز استحاله‌ای از سبزه و گل حاشیه منبع آب باشد که به شکلی تیره در باغ ایرانی ایفای نقش می‌کند. در نهایت باید اشاره کرد تنها عنصری که حتی در الگوی مرجع (علی‌رغم جنبه‌های اسطوره‌ای) تفاوتی با قبل نکرده، همانا هندسه شفاف برآمده از سیستم آبیاری بوده و این تنها وجهی است که معیاری برای تمییز باغ‌های اصیل ایرانی و باغ‌های گرت‌برداری شده از آنها در دیگر اقلیم‌ها به حساب می‌آید. در سیستم فوق که هنوز هم به شکلی چند هزارساله وجود دارد می‌توان دو بخش را از یکدیگر متمایز کرد؛ بخشی که تنها به عنوان یک زیرساخت عمل می‌نماید (یعنی سیستم کارکردی از مظهر تا باغچه‌ها) و بخش باغچه‌ها که وجه اقتصادی سیستم را تشکیل می‌دهد. در تمامی نمونه‌های مرتبط با باغ ایرانی این دو بخش در تعامل با یکدیگر بوده و بسته به مقیاس باغ، تناسب آنها متفاوت می‌شود. بخش اول همان سیمای اصلی و تشریفاتی باغ را تشکیل می‌دهد و باغچه‌ها و کرت‌بندی نیز علاوه بر جنبه اقتصادی، در رابطه با افزایش رطوبت نسبی و ایجاد یک پس‌زمینه سبزی ایفای نقش می‌کنند.

نوع سیستم آبیاری در باغ ایرانی، نظم و ترتیب درختان و محصور بودن باغ را می‌توان از عناصر مقدم بر الگوی چهارباغ با حوض مرکزی دانست.

The system of irrigation as well as regular planting and being enclosed are the attributes of the Persian garden which can be highlighted as the first priorities in the creation of the Chahar-bagh gardens with a central pound.

تصویر ۳: چشمه آب با دبی کم، اطراف روستای هنزآ، شهرستان بافت، استان کرمان. عکس: نگارنده.

تصویر ۴: منبع آب و جوی آب از چشمه تا منبع، اطراف روستای هنزآ، شهرستان بافت، استان کرمان. عکس: همان.

تصویر ۵: جوی آب حد فاصل منبع آب تا باغچه‌ها و درختان حاشیه آن. اطراف روستای هنزآ، شهرستان بافت، استان کرمان. عکس: همان.

تصویر ۶: جوی آب حد فاصل منبع آب تا باغچه‌ها و درختان حاشیه آن. روستای بیس‌ونیه، کرمان. عکس: همان.